

نقش مجمع تقریب بر استمرار انقلاب اسلامی

از منظر اندیشه امام خمینی (ره)

یدالله باذلی^۱

عباسعلی رهبر^۲

حسین الله کرم^۳

چکیده

هدف اصلی از انجام این پژوهش، بررسی نقش مجمع تقریب بر استمرار انقلاب اسلامی از منظر اندیشه امام خمینی است. به همین منظور به بررسی و تبیین اصول تأثیرگذاری مجمع تقریب مذاهب اسلامی بر وحدت و انسجام کشورهای اسلامی و تبیین عقاید و بیانات معمار بزرگ انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) درباره وحدت بین مسلمین پرداخته شده است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی می باشد. روش گردآوری داده‌ها به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و فیش برداری از منابع علمی، کتب، مقالات و اسناد علمی است. نتایج مطالعات و بررسی‌ها نشان می دهد دولتمردان ایران اسلامی و همه آزادگان و مسلمانان عالم باید در این راستا تلاش جدی نموده و از اختلاف افکنی و نزاع و مجادله میان مسلمانان که ثمری در بر ندارد پرهیز نمایند. همچنین در تشکیل تمدن نوین اسلامی نباید صرفاً به شعار و نظر ورزی بسنده نمود، بلکه تحقق چنین امری نیازمند اقدامات عملی فراگیر، همه جانبه و به دور از هر گونه تعصبات قومی و مذهبی است. و مسلمانان باید پیوسته به مولفه‌های شکل گیری و عوامل تاثیر گذار بر وحدت امت اسلامی توجه داشته و با روحیه مجاهدت دائم و همگانی و تلاش و کار و ابتکار، امید به فضل الهی و استمداد از او، ترسیم هدف بلند مدت، صبر و مقاومت، بهره‌مندی از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی خود به این مهم دست یابند.

واژگان کلیدی:

مجمع تقریب، انقلاب اسلامی، امام خمینی(ره).

^۱ - گروه علوم سیاسی گرایش اندیشه سیاسی، تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران.

^۲ - دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. Aa.rahbar@atu.ac.ir

^۳ - استادیار گروه اندیشه سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

بنا به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران، تقریب مذاهب ظرفیت های فراوانی را در جهت تمدن سازی نوین اسلامی فراهم خواهد کرد. تقریب مذاهب اسلامی فرصت لازم را برای معرفی اسلام ناب و بازگشت به اسلام اصیل و بازخوانی آموزه های اسلامی در راستای شناخت اسلام واقعی و زمینه تشکیل امت واحده را براساس معیارهای اسلامی فراهم می کند. اگر مذاهب اسلامی نسبت به گسترش فضای گفتگویی و پرهیز از تفرقه و واگرایی تلاش کنند می توانند نقش مهمی را در تحقق تمدن سازی نوین اسلامی ایفا کنند. از سوی دیگر، نیاز امت اسلامی به انسجام و هم گرایی (تقریب مذاهب) جهت مقابله با دشمنان اسلام از بدیهی ترین امور بوده و با توجه به اهمیت مسئله از دیرباز مورد توجه برخی از علمای مسلمان شیعه و اهل سنت قرار گرفته است. این اندیشه در طول تاریخ از سوی علمایی نظیر شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و ... ارائه شده و در دوران معاصر نیز از سوی علمایی نظیر مرحوم آیت الله بروجردی، شیخ محمد سلیم و شیخ شلتوت و امام خمینی کوشش هایی بدین منظور صورت گرفته است.

وحدت، یعنی یکی شدن، یک دست شدن، حول محوری چرخیدن، برادری، اتحاد، مرکب شدن و اتفاق، انسجام نیز به معنای روان شدن اشک و جز آن، روانی در کلام، هماهنگی و همواری آمده است. اتحاد و وحدت ملی بیشتر جنبه داخلی دارد و در مرزهای کشورها تعریف می شود (ایرانی، ۱۳۹۸، ص ۷۱).

اما وحدت اسلامی، از مهم ترین ایده ها و آرمان هایی می باشد که هر مسلمان آزاده ای، از صدر اسلام تا کنون، بر مبنای تعالیم اسلام داشته است. به منبع موثقی که می توان به آن استناد نمود قرآن کریم است در قرآن کریم، واژه هایی همچون «امت» و «امت واحده» بهترین مؤید این مطلب است. انسجام و وحدت جمعی، مهم ترین مسئله امت اسلامی است. استعمارگران، پی به اهمیت آن برده و در سده های اخیر، درصدد شکستن آن برآمده و بهره های ظالمانه فراوانی برده اند. در سایه اسلام و به برکت تعالیم اسلامی است که ابعاد و عوامل اخلاقی و اجتماعی وحدت مسلمانان، عمق و استحکام می یابد (موثقی، ۱۳۹۱، ص ۳۸۳).

مصلحان و عالمان زیادی اعم از شیعه و سنی به مقوله وحدت اسلامی توجه داشته اند که از جمله این بزرگان می توان به افرادی چون آیت الله تسخیری، شیخ محمد عبده، سید جمال الدین اسدآبادی، آیت الله بروجردی، شیخ شلتوت، سید قطب، امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری و ... اشاره نمود. مصلحان، دانشمندان و روشنفکران اسلامی عصر ما اتحاد و همبستگی ملت ها و فرقه های اسلامی را به خصوص در اوضاع و احوال کنونی که دشمن از همه طرف به آن ها هجوم آورده و پیوسته با وسایل مختلف در پی توسعه اختلافات کهن و تولید اختلافات نوین است از ضروری ترین نیازهای اسلامی می دانند (بزرگی، ۱۳۹۴، صص ۲۶ و ۲۷).

همچنین با توجه به موقعیت ویژه کنونی جهان اسلام و وضعیت جبهه های معارض مسلمانان، جانشین به حق امام خمینی (ره)، سکندار حرکت انقلاب اسلامی، یعنی مقام معظم رهبری، مقوله انسجام و وحدت امت اسلامی را در محور آرمان های خویش قرار دادند. امام وحدت را به عنوان یک استراتژی قبول داشت؛ وحدت ملی برای حفظ کشور، به غارت نرفتن منافع ملی؛ انسجام و اتحاد اسلامی، برای حفظ عزت مسلمانان و ضربه نخوردن اسلام و قرآن، و اتحاد بین مستضعفان برای مبارزه با استکبار؛ زیرا ایشان بارها و بارها بر اتحاد برای پیروزی مسلمانان تأکید نموده و میوه های وحدت را

پیروزی، نابودی دشمنان، شکوفایی، پیشرفت کشور و مسلمانان و... بر می شمرند. امام خمینی (ره) وحدت را علت محدثه و مبقیه نظام اسلامی و اسلام و وحدت را ضامن بقای مسلمانان دانسته اند (جمشیدی و محمدی، ۱۳۸۹ش، ص ۵۹) امام (ره) با وجود دشمنان بزرگ منطقه ای و فرامنطقه ای یکه و تنها و با ایجاد وحدت در بین مسلمانان ایران توانست ایران را به پیروزی برساند درست است که اعمال شاه باعث به تنگنا رسیدن مردم شده بود و مردم دنبال این بودند که کسی بتواند آن ها را نجات دهد اما امام دشمنان زیادی داشت بعد از پیروزی انقلاب هم در هشت سال دفاع مقدس امام با رهبری آگاهانه خود جنگ را به پیروزی رساند جنگ فقط با عراق نبود جنگ با اکثر کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای بود اما امام پیروز شد این گفته های ما ملت ایران نیست اگر مقالات کشور های دیگر را بررسی کنیم آن ها نیز به این نکته اشاره کرده اند به عنوان مثال تاجمز لندن در توصیف حضرت امام (ره) می نویسد: «امام خمینی مردی بود که توده ها را با کلام خود مسحور کرد، وی به زبان مردم عادی سخن می گفت و به طرفدارای فقیر و محروم خود اعتماد به نفس می بخشید، این احساس آن ها را قادر ساخت تاهر کسی را که سر راهشان بایستد از بین ببرند وی به مردم نشان داد که حتی می توان در برابر قدرت هایی مثل آمریکا ایستاد و نهراسید».

از دیدگاه هفته نامه آبرور، امام خمینی مردی هم پای پیامبران کهن است که دنیا را به پیروی از اصول دینی دعوت کرد. پیام وی برای مردم جهان خلوص عقیده و پیروی از سادگی در مقابل پیچیدگی و آلودگی های غرب بود، و این رمز موفقیت وی و احساس افتخار پیروان اوست.

امام رمز پیروزی، بقا و تداوم انقلاب اسلامی را وحدت می دانند (فولادی، ۱۳۹۷ش، ص ۸۲). مسئله تشکیل حکومت یکی از مهم ترین مسائلی بود که مورد عنایت حضرت امام خمینی بود و هم از نظر عملی در راه تحقق آن نهایت سعی خود را نمود و یکی از مهم ترین دلایل امام خمینی برای تشکیل حکومت، تأمین وحدت و اتحاد امت اسلامی است (جمشیدی، ۱۳۹۸ش، ص ۴۳). ایشان در این باره می فرمایند: «ما برای اینکه وحدت امت اسلامی را تأمین کنیم، برای اینکه وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولت های دست نشانده آن ها خارج و آزاد کنیم، راهی نداریم جز اینکه تشکیل حکومت بدهیم ... تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمانان است...» (امام خمینی، ۱۳۶۸ش، ج ۵، ص ۴۳).

از دیدگاه امام خمینی تحقق جمهوری اسلامی به عنوان حکومتی مطلوب و شایسته برای جامعه انقلابی ما نیز حاصل این وحدت بود و بنابراین حفظ آن نیز برای بقای این وحدت لازم و ضروری است. در واقع وحدت ضروری تشکیل حکومت و تشکیل حکومت عامل ضروری برای حفظ وحدت است. این دو ملازم یکدیگر هستند. حکومت عدل الهی با اعتصام به حبل الله و برای ایجاد و استمرار این اعتصام به وجود می آید. در واقع به تعبیر حضرت امام وحدت برای حفظ نظام لازم است و حکومت برای تأمین وحدت ضروری (جمشیدی، ۱۳۹۸ش، ص ۴۳).

برای ایجاد وحدت از نظر امام (ره) باید علما و مردم، حوزه ها و مجامع اسلامی باید یکپارچه شوند این وحدت را ایجاد کنند تقریب مذاهب اسلامی یکی از محورهای ایجاد وحدت و همگرایی میان کشورهای اسلامی محسوب می شود، در این راستا، آیت الله خامنه ای با توجه به ضرورت استمرار و تقریب اندیشه نزدیکی و اتحاد بین مسلمانان بر اساس یک طرح و برنامه مدون و تشکیلات منسجم، فرمان ایجاد مرکزی به نام مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در سال ۱۳۶۹ صادر فرمودند. بر این اساس هدف از تقریب مذاهب اسلامی عبارت از نزدیک شدن پیروان مذاهب اسلامی با هدف تعارف و

شناخت یکدیگر به منظور دست یابی به اخوت دینی بر اساس اصول مسلم و مشترکات اسلامی می باشد.

اندیشه امام خمینی (ره) و نظریه اسپریگنز

اسپریگنز در فهم نظریه های سیاسی می کوشد چارچوبی پویا از روش فهم نظریه های سیاسی به دست دهد، چرا که معتقد است نظریه پردازان، صرفنظر از اختلافات چشمگیر در سبک و مفاهیم، با مشکلاتی یکسان مواجه اند و نسبتاً نیز به راه حل هایی مشابه می اندیشند. بدین ترتیب، اکثر نظریه پردازان آثار خود را زمانی نگاشته اند که احساس کرده اند شرایط کنونی دچار بحران شده است؛ بنابراین، به یافتن ریشه بحران می پردازند؛ یعنی نظریه پرداز نخست به سؤالات اولیه در رابطه با زمینه و بسترهای ایجاد بحران می اندیشد و سپس به راه حل مناسب می رسد. از این روی اسپریگنز برای حل بحران از چهار مرحله سخن می گوید که به شکل گیری نظریات سیاسی می انجامد. شامل مشاهده بحران، تشخیص علل آن، تصور بازسازی جامعه و به دست دادن راه حل (اسپریگنز، ۱۹۹۸، ص ۳۱-۱۷۱).

در راستای مطالب فوق، امام خمینی (ره) نظریه پرداز انقلاب اسلامی و از شاگردان آیت الله بروجردی اندیشه وی را ادامه داده و همواره تلاش نمود تا پیروان مذاهب اسلامی را به هم نزدیک نماید. بررسی بیانات و عملکردهای آن بزرگوار نشان می دهد که ایشان در این زمینه رهنمودهای عملی ارائه نموده اند که بررسی آن ها برای رسیدن به انسجام ملل مسلمان جهان و رسیدن آن ها به قدرت و عزت مفید فایده بوده و غفلت از هر کدام از راهبردها زمینه را جهت نفوذ دشمنان اسلام وسیع کرده و فرصت مقابله با اسلام را به آن ها می دهد. در عصر حاضر که بذر تفرقه از سوی دشمنان اسلام به جوامع اسلامی پاشیده می شود بزرگ ترین جهاد، جهاد در راه انسجام ملل مسلمان و ایجاد تقریب بین آن هاست. امام خمینی مهمترین وجه تأثیرگذاری انقلاب را حرکت بر مبنای تربیت سیاسی اخلاق مدار میدانند. وی معتقد است که احکام اخلاقی اسلام، سیاسی است. مثال احکامی که درباره اینکه مؤمنین برادر هستند، این حکم، هم یک حکم اخلاقی، هم سیاسی و هم اجتماعی است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۱۳۰). از منظر امام همه بخش های اسلام [عقاید، احکام، اخلاق] سیاسی است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۷۰). امام نتیجه معارف الهی و هدف انبیا را بیدار کردن بشریت و هوشیار نمودن غافلان و کشاندن افراد از ظلمات و طبیعت و حالات حیوانی به سمت نور و عالم ملکوت و جبروت می داند (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۲۸۵-۲۸۸).

از سوی دیگر، هم گرایی و تقریب بین مسلمانان امری است که در قرآن کریم و روایات صادره از معصومان مورد تأکید ویژه قرار گرفته است. یکی از آموزه های قرآن کریم، دستور به تمسک به حبل الله است که در آیه ی ۱۰۳ از سوره آل عمران به آن اشاره شده است: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...» (و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید...). بررسی بیانات امام خمینی نشان می دهد که وحدت و انسجام مسلمانان یکی از مفاهیم مرکزی گفتمان اسلام سیاسی ایشان بوده است. ایشان بر وحدت مسلمانان از هر مذهبی (تقریب مذاهب) تأکید و آن را واجب الهی قلمداد کرده است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۲۴۴) وحدت مذهبی از منظر ایشان هم به حکم عقل (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۸، ص ۲۰۴) و هم به حکم شرع (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۵۱) و ج ۸، ص ۴۲۲ و ج ۱، ص ۴۸۱) امری ضروری است که تخلف از آن جرم و گناه است. به عقیده ی ایشان اختلاف شیعه و اهل سنت با یکدیگر شر مطلق است و هیچ یکی از طرف های درگیر از آن بهره

مند نمی شوند (امام خمینی، ۱۳۸۷ش، ص ۴۰۱)

پیشینه پژوهش

شکری مقدم و همکاران (۱۳۹۴)، پژوهشی در مورد چالش‌های انسجام ملی جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی قوم بلوچ انجام دادند در این پژوهش پس از تشکیل دولت مدرن در ایران تاکنون یکی از دغدغه‌های مخاطره‌آمیز مسئولین امنیتی و سیاسی کشور حفظ یکپارچگی سرزمینی ایران بوده، بگونه‌ای که پس از آن فرآیند مشارکت ملی با چالش‌های جدی مواجه شده است و انسجام ملی متأثر از نوع رویکرد حکومت مرکزی در برخی مناطق ایران که منطبق بر اقوام غیر فارس و غیر شیعه مذهب هستند در دوره‌های خاص تاریخی انسجام سرزمینی کشور را به چالش گرفته است. قوم بلوچ، در جنوب خاوری کشور در استان پهناور سیستان و بلوچستان ساکن است. این قوم که دنباله آن به خارج از مرزهای سیاسی ایران کشیده شده، عوامل پیوندگر متعددی آن را با سایر اجزای ملت ایران پیوند داده، همچنین عوامل دیگری نیز این پیوند را تضعیف کرده است. این مقاله بر آن است که چالش‌های جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با قوم بلوچ را مورد پژوهش قرار دهد. اطلاعات مورد نیاز این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و روش اسنادی گردآوری شده، سپس اطلاعات گردآوری شده به روش کیفی و توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

حقی (۱۳۹۴) پژوهشی در مورد نقش انقلاب اسلامی در شکل‌گیری تقریب مذاهب اسلامی پژوهشی انجام دادند و پژوهش آن‌ها بیانگر این بود که انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ با آموزه‌هایی همانند ایجاد وحدت و همگرایی میان کشورهای اسلامی، تقریب مذاهب اسلامی و تشکیل امت واحده اسلامی به پیروزی رسید. جمهوری اسلامی ایران، در سیاست داخلی و خارجی خود، همواره از تقریب مذاهب اسلامی حمایت کرده و در سیاست‌های خود برای تحقق آموزه‌های انقلاب اسلامی، تلاش‌های فراوانی انجام داده است. مقاله حاضر به دنبال بررسی آموزه‌های انقلاب اسلامی درباره مسئله تقریب و وحدت مذاهب اسلامی با تأکید بر اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) می‌باشد. در این نوشتار ضمن تبیین عناوینی همچون تقریب و همگرایی مذاهب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)، عرصه‌های وحدت در حج از منظر ایشان، تأکید بر امت واحده اسلامی و دولت بزرگ اسلامی، به اقدامات جمهوری اسلامی ایران در راستای تقریب مذاهب اسلامی از جمله تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و برگزاری کنفرانس‌های وحدت اسلامی پرداخته می‌شود.

بهزادی (۱۳۹۳) پژوهشی در مورد وحدت اسلامی از منظر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری انجام دادند و بیان نمودند که امام خمینی (ره) وحدت را عامل قدرت و تفرقه را موجب سستی پایه دیانت تلقی کرده و وحدت جهان اسلام برای حضرت امام آرمانی بزرگ تلقی می‌شد. ایشان درد و ضعف ملت را در تفرقه می‌داند و مجد و عظمت را در وحدت و همدلی. ایشان راهکارهای مؤثری را برای تحقق همگرایی و همدلی امت اسلامی ارائه می‌دهند و خود نیز پای در میدان می‌نهد و به بسیاری از آن راهکارها جامه عمل می‌پوشاند. ایشان یکی از راهکارهای اساسی وحدت اسلامی را ایجاد حکومت اسلامی می‌دانست. امام خمینی در بیان مفهوم وحدت دو نکته با هم بودن و اجتماع داشتن و اعتصام در راه حق را مطرح می‌کنند و اعتقاد دارند که وحدت حقیقی بدون اعتصام به حبل خدا معنا نخواهد داشت. وحدت از دیدگاه امام دارای دامنه وسیعی است و وحدت مستضعفان یا مسلمانان در راه اهداف کلی دینی و دستیابی به کمال و رشد مطرح می‌باشد. ایشان وحدت را از علل محدثه و رمز ماندگاری انقلاب اسلامی می‌دانستند. انسجام امت اسلامی در دیدگاه مقام معظم

رهبری، به معنای فهم درد مشترک، دشمنیهای مشترک و ظرفیتهای مشترک می باشد که در این یک‌نواپی و همدلی است که وحدت، عینیت می یابد. مقام معظم رهبری به موضوع وحدت چنان اهمیتی می دهند که آن را به عنوان مسئله‌ای استراتژیک و نه تاکتیکی معرفی نموده و همواره علما، روشنفکران، برجستگان سیاسی و آحاد امت اسلامی را به وحدت ذیل دستورات و آموزه های قرآن کریم و ارادت و محبت به پیامبر اسلام دعوت کرده اند. وحدت در نگاه مقام معظم رهبری به معنای نبودن تفرقه، درگیری و کشمکش است.

ظهیری (۱۳۹۲) پژوهشی در مورد تقریب عملی مذاهب اسلامی، ضرورت‌ها و راهکارها انجام دادند و نتایج حاکی از آن است که در عصر حاضر تقریب مذاهب اسلامی و وحدت آنها، آرمانی بلند و امیددی دیرینه است که گذشته از دلایل عقلی، ادله نقلی فراوانی نیز لزوم آن را روشن می سازند. در این راستا وظیفه مسلمانان آن است که با اتخاذ تدابیر لازم و راهکارهای عملی، تقریب مذاهب را در پیکره دنیای اسلام حیاتی مجدد بخشند، تا ضمن بازیابی اقتدار گذشته، مجالی را برای تاخت و تاز نهادهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی غرب باقی نگذارند. این نوشتار هم در راستای تحقق همین اهداف والا و به پیروی از منویات و نظرات بزرگان دین در جهت رفع موانع و مشکلات فراروی مسلمانان تهیه و تنظیم شده است و به واقعیتی می پردازد که جهان اسلام با آن روبه‌رو است. در این مقاله سعی شده است راهکارهای عملی و صحیح برای تقریب مذاهب اسلامی در عرصه های ملی و فراملی در بین آحاد مسلمانان به منظور حفظ مصالح مسلمانان و پیشرفت امور عامه اسلامی و تحقق وحدت و انسجام اسلامی به مخاطبان ارائه گردد.

فرزندی (۱۳۹۱) پژوهشی در مورد وحدت و انسجام اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله) (سیاست ها و راه کارها) انجام دادند و در مقاله او سیاست ها و راه کارهای تحقق وحدت و انسجام اسلامی از نظر مقام معظم رهبری ارائه می گردد، این که مسئولان و اندیشمندان مسلمان در راستای تحقق انسجام اسلامی چه سیاست ها و راه کارهایی را باید دنبال نمایند؟ و مناسبترین نگرش برای تحقق سیاست ها و راه کارهای انسجام اسلامی کدامند؟ افزون بر آن، سیاست ها و راه کارهای اتخاذ شده از نظریه های آکادمیک، درباره تحقق انسجام اسلامی و آسیب ها و آفت های سیاست ها و راه کارهای ارائه شده و ... طرح و تحلیل گردیده است. در پایان مقاله اش با توجه به داده های نظری و تجارب عملی، سیاست ها و راه کارهای بدیع و واقع گرایانه درباره انسجام اسلامی معرفی شده است. با شناخت و اجرای الگوهای همبستگی، مدل های معقول، سیاست های علمی و عملی رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره انسجام، می توان در راه تحقق انسجام، به درستی گام برداشت و مسلمانان را در مقابل اختلاف، بیمه نموده و به نوعی از پیش گیری رسید و از سوی دیگر به درمان دردهای موجود پرداخت. تقویت و تأکید بر انسجام حدود یک و نیم میلیارد مسلمان جهان، اساسی ترین رسالت علما، دانشمندان و نخبگان جهان اسلام است و اندیشمندان مسلمان باید از خود سؤال کنند که چگونه می توان اتحاد و انسجام مسلمانان را اولویت اول جهان اسلام قرار داد؟ متأسفانه مسلمانان امروزه با بی توجهی به توطئه اجانب در گرداب تفرقه قرار گرفته و جهان اسلام زیان های غیر قابل جبرانی از این تفرقه ها دیده است. در سال های اخیر دشمن تلاش کرده است عامل مذهبی را به عامل اختلاف بدل کند و نگذارد کشورهای اسلامی با تشریک مساعی و برادری به اوج شکوفایی برسند. در این راستا شناخت سیاست ها و راه کارهای تحقق انسجام اسلامی می تواند گامی اساسی و ماندگار در ایجاد و تقویت وحدت مسلمانان باشد.

سارلی، (۱۳۹۱) پژوهشی در مورد همگرایی اسلامی (ضرورت ها، نمادها و عوامل انجام دادند و همگرایی اسلامی، مقوله ای بسیار جدی در عصر حاضر به شمار می رود. اگرچه موضوع همگرایی اسلامی و به تعبیری وحدت اسلامی از صدر اسلام مطرح بوده، لیکن در یکی-دو قرن اخیر با حضور قدرت های خارجی در محدوده کشورهای اسلامی، مفهوم روشن تری یافته است. در این بررسی، به تعریف موضوع از نگاه متفکرین اسلامی پرداخته و نهایتاً جمع بندی تعریف همگرایی اسلامی با مفهوم رفتار متعهدانه متقابل مذاهب اسلامی به منظور صیانت از اصول مشترک اسلامی را می پذیریم. سپس این همگرایی در دوره پیامبر اکرم (ص) به ویژه اعلان «مواخاة الاسلامی» (برادری اسلامی) مورد توجه است. عصر خلفای راشدین از آن جهت که تجربه حکومت اسلامی بدون حضور پیامبر اکرم (ص) بوده مورد نظر می باشد. از طرف دیگر شناخت انگیزه ها و اهداف همگرایی اسلامی حائز اهمیت است. سبیل های تفکر دینی در عالم اسلامی، راهکارهای عملی نیز پیشنهاد داده اند. یکی از این شخصیت ها شهید دکتر رنتیسی از رهبران حماس، پیشنهاد تشکیل ایالات متحده اسلامی را به منظور جلوگیری از دخالت بیگانگان به ویژه آمریکا در امور داخلی کشورهای اسلامی داده است.

عیوضی (۱۳۸۶) پژوهشی در مورد اتحاد و انسجام؛ زمینه های شکل گیری انجام دادند در این پژوهش دستیابی به انسجام اسلامی بدون وجود یک قاعده اساسی و شکل گیری زیرساخت های آن در نظام سیاسی و اجتماعی، سرزمینی یا فرااقلمی غیرممکن است و عینیت نمی یابد. در این بین جایگاه نخبگان به عنوان یکی از عوامل شکل دهنده را نباید فراموش کرد، لذا پیش از دعوت مردم به اتحاد و انسجام، خود باید به این راهبرد دست یابند و تعریف روشنی از الزامات و حوزه های آن تدوین نمایند و آن را به جامعه عرضه کنند؛ چراکه بدون تردید، اختلاف و افتراق آنان در حوزه تعاریف و تحلیل مفاهیم آن سبب تصلب زمینه های شکل گیری اتحاد ملی و انسجام اسلامی می گردد.

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی می باشد. که از طریق مطالعه و بررسی فرضیه ها و پاسخگویی به سوالات و منابع تحقیق، منابع دست اول و دوم، کتاب ها یا مقالات مرتبط انجام می شود. روش گردآوری داده ها به صورت کتابخانه ای است در این روش که به آن روش «مطالعه ای» نیز گفته می شود، تحقیق را از راه مطالعه منابع و مأخذ مختلف انجام می شود. روش توصیف و تجزیه تحلیل اطلاعات فیش برداری است.

همگرایی اسلامی

همگرایی در یکصدسال اخیر مورد توجه علمای روشنگر اسلام همچون سیدجمال الدین اسدآبادی قرار گرفت به گونه ای که در دانشگاه الازهر مصر مرکز همگرایی مذاهب اسلامی به نام «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» تأسیس گردید که در آن حداقل گرایشات فقهی و مذهبی اسلامی حضور داشتند. یکی از بنیان گذاران دارالتقریب، مرحوم علامه محمدتقی قمی (ره) بود. ایشان درباره همگرایی دینی می گوید: «هدف ما اندماج مذاهب فقهی در یکدیگر نیست، زیرا اختلاف امری است طبیعی... در این گونه اختلافات زبانی نبوده بلکه باعث توسعه فکری و فراهم آمدن تسهیلات و گشایش رحمت الهی خواهد بود (دروب التقریب، ۲۰۰۴، ۱۲)

راهبردهای استراتژیک در این مرکز تعیین گردید که سرفصل های مهم آن عبارت بود از: تبیین

باورها و برداشت های مشترک بین این دو و تطبیق و مقایسه آن با نکات اختلاف از جهت اهمیت، ایجاد آگاهی فرق اسلامی به پیامدهای تنش و درگیری، یافتن زبان مشترک برای همگرایی، معرفی تفرقه افکنان که قصد تبدیل اختلاف به یک نزاع تمام عیار را داشته اند، یادآوری فواید سکوت و خویشن داری هر یک در راستای تحقق اصل وحدت اسلامی، این قبیل راهبردها به منظور کاستن فاصله مسلمانان مذاهب اسلامی و رفع بدبینی و خصومت صورت می گرفت.

یکی از متفکران عرب به نام دکتر «محمد الدسوقی» (استاد دانشگاه قطر) مفهوم همگرایی مذاهب را با این تعبیر بیان می کند: «إن التقارب بين المذاهب هو في جوهره: محاولة لكسر شوكة التعصب، و جمع كلمة الأمة على أصول عقيدتها والمبادئ الأساسية لدينها» (قمی، ۱۳۷۲، ۱۵).

یعنی: همگرایی، تلاش برای شکستن شوکت تعصب و پیوند زدن امت اسلامی بر اساس اصول عقیده مبادی، اساس دین است. به عبارت روشن تر همگرایی را اصل بنیادین دینی می داند. مرحوم آیت الله شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء، همگرایی فرق اسلامی را نه تنها به معنای هضم فرقه ای و سکوت فرقه مغلوبه نمی داند، بلکه می فرماید: «از عدالت به دور است که ما فرقه ای را که در انزوا و اتهام نهاده شده و از خود دفاع می کند به دلیل دفاع از حق خود به تفرقه افکنی و کینه توزی متهم کنیم بلکه باید سخن او را بررسی نماییم. اگر حق با اوست او را یاری دهیم و آلا به استدلال او را قانع سازیم». بنابراین همگرایی ناظر بر رفتار متعهدانه متقابل مذاهب اسلامی به منظور صیانت از اصول مشترک اسلامی می باشد. در این رابطه، سیاست راهبردی برای مصونیت سامانه همگرایی، اصل احترام مذاهب به یکدیگر، برای پوشاندن حفره ها و خلأهای موجود، مهار تنش ها و پرهیز از سب و دشنام پیروان مذاهب نسبت به یکدیگر باید مورد نظر باشد.

مفهوم تقریب مذاهب

تقریب از ریشه ی (قرب) به معنای نزدیکی (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۶۶۲؛ راغب، ج ۳، ص ۱۵۸؛ قرشی، ۱۳۶۱ش، ج ۵، ص ۲۹۳) بوده و مذهب از ریشه ی (ذهب) به معنای محل رفتن (قرشی، ۱۳۶۱ش، ج ۳، ص ۲۸؛ معلوف، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۵۲۴) یا به معنای عقیده و اعتقاد (معلوف، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۵۲۴) می باشد. مذهب در اصطلاح به یکی از تیره ها و شعب یک دین اطلاق می شود (معین، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۳۹۷۶).

در تعریفی دیگر، تقریب از ریشه قرب و نزدیکی عکس بُعد و دوری است و تقارب به معنای نزدیک شدن به یکدیگر ضد تباعد دوری جستن از یکدیگر است (خسروشاهی، ۱۳۸۹: ۲۱) در اصطلاح، تقریب مذاهب کوششی جدی برای تحکیم روابط میان پیروان مذاهب از راه درک اختلاف های موجود میان خود و زدودن پیامدهای منفی این اختلافات و نه اصل اختلاف ها است. به عبارت دیگر تقریب مذاهب اسلامی عبارت است از نزدیک شدن پیروان مذاهب اسلامی برای شناخت یکدیگر به منظور دست یابی به اخوت دینی بر اساس اصول مسلم و مشترکات اسلامی است (خسروشاهی، ۱۳۸۹: ۲۲).

تمدن

تمدن در زبان عربی از مدرن به معنای اقامت کردن و پیدا کردن اخلاق شهرنشینان (معلوف، ۱۳۷۴: تمدن) و معادل واژه الحضاره به معنای اقامت در شهر است (ابن منظور، بی تا، ج ۲: ۱۳۰) و از ریشه حضر به معنای شهر، قریه و روستا است و در مقابل بدویت و بادیه نشینی قرار دارد. تمدن را می توان مجموعه ای از پنج عنصر؛ تصور زندگی در دنیا، هدف زندگی، عقیده بنیادین، تربیت فردی و نظام

اجتماعی دانست که آگاهانه یا ناآگاهانه به صورت اجتماعی مورد توجه جمع زیادی از انسان ها قرار می گیرد و بسترهای اجتماعی لازم را برای تکامل همه اعضای جامعه انسانی فراهم می کند(سلامی، ۱۳۹۸: ۳۲)

تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی یعنی ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفت های هدفمند، نظام مند و نوظهور امت اسلامی با محوریت ایران براساس تعالیم اسلامی در تمامی عرصه های اجتماعی، که شکلی معنادار و منضبط به خود گرفته و جامعه اسلامی را به مقاصد خود نزدیک می کند. در تمدن نوین اسلامی هدف این است که با ارائه الگو و روش هایی که مبتنی بر معارف اسلامی است در راستای احیای تمدن اسلامی گام نهاده شود و پیشرفت همه جانبه حاصل شود و تلاش می شود تا با یادآوری تاریخ درخشان مسلمانان در رشد و گسترش علوم و دوره هایی از شکوه تمدنی اسلام، مسلمانان به بازیابی قدرت بالقوه اسلام بپردازند. به نوعی می توان گفت می توان پیشرفت همه جانبه را به معنای تمدن سازی نوین اسلامی بگیریم(سخنرانی رهبری ۲۳ مهر ۱۳۹۱) در تمدن نوین اسلامی بر وحدت در عین کثرت تأکید می شود و اصلاح و احیای تمدن جز از طریق پذیرش تنوع و تکثر ممکن نیست و تنوع قومی و مذهبی در جهان اسلام به عنوان یک ظرفیت در این راستا محسوب می شود. تقریب مذاهب ظرفیت های فراوانی را در جهت تمدن سازی نوین اسلامی فراهم خواهد کرد. تقریب مذاهب اسلامی فرصت لازم را برای معرفی اسلام ناب و بازگشت به اسلام اصیل و بازخوانی آموزه های اسلامی در راستای شناخت اسلام واقعی و زمینه تشکیل امت واحده را براساس معیارهای اسلامی فراهم می کند. اگر مذاهب اسلامی تعصب بی جا را کنار بگذارند و نسبت به گسترش فضای گفتمانی و پرهیز از تفرقه و واگرایی تلاش کنند می توانند نقش مهمی را در تحقق تمدن سازی نوین اسلامی ایفا کنند. در همین راستا سعی می شود به مؤلفه هایی مانند بازگشت به اسلام اصیل، بازخوانی آموزه های دینی، تشکیل امت واحده، ترویج فضای گفتمانی و پرهیز از تفرقه و گسترش هم گرایی و کاهش تعصب و افراطی گری به عنوان عوامل مهمی که تقریب مذاهب می تواند در تحقق تمدن نوین اسلامی ایفا کند پرداخته خواهد شد.

ضرورت و جایگاه تقریب مذاهب از دیدگاه امام خمینی (ره)

هم گرایی و تقریب بین مسلمانان امری است که در قرآن کریم و روایات صادره از معصومان مورد تأکید ویژه قرار گرفته است. یکی از آموزه های قرآن کریم، دستور به تمسک به حبل الله است که در آیه ی ۱۰۳ از سوره آل عمران به آن اشاره شده است: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...»(و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید...)

بررسی بیانات امام خمینی نشان می دهد که وحدت و انسجام مسلمانان یکی از مفاهیم مرکزی گفتمان اسلام سیاسی ایشان بوده است. ایشان بر وحدت مسلمانان از هر مذهبی(تقریب مذاهب) تأکید و آن را واجب الهی قلمداد کرده است(امام خمینی، ۱۳۹۸ش، ج ۶، ص ۲۴۴) وحدت مذهبی از منظر ایان هم به حکم عقل(امام خمینی، ۱۳۹۸ش، ج ۱۸، ص ۲۰۴) و هم به حکم شرع(امام خمینی، ۱۳۹۸ش، ج ۲، ص ۴۵۱ و ج ۸، ص ۴۲۲ و ج ۱، ص ۴۸۱) امری ضروری است که تخلف از آن جرم و گناه است. به عقیده ی ایشان اختلاف شیعه و اهل سنت با یکدیگر شر مطلق است و هیچ یکی از طرف های درگیر از آن بهره مند نمی شوند(امام خمینی، ۱۳۹۷ش، ص ۴۰۱)

ایشان در بیانی می فرماید: ما، به حسب حکم خدای تبارک و تعالی، اخوت خودمان را با همه مسلمین

جهان، با دولت های کشورهای اسلامی، با ملت های مسلم، در هر مذهبی هستند، در هر کشوری هستند، ما برادری خودمان را با آن ها اعلام می کنیم. ما می خواهیم همه مسلمین، ید واحده باشند بر مَن سِوَاهِم. هر کسی، در محیط خودش، با هر حکومتی که هست و با هر مذهبی که هست، در محیط خودش باشد و مستقل باشد (امام خمینی، ۱۳۹۸ ش، ج ۱۵، ص ۴۷۴)

تقریب و نزدیکی مذاهب اسلامی از مهم ترین برنامه ها و اصل راهبردی در اندیشه شیخ شلتوت در دوران ریاست وی بر الازهر بوده است: مهم ترین هدف اساسی در برنامه من عبارت است از پیکار با تعصبات و فرقه گرایی و تحقیق و بررسی علوم دینی در محیط پر از صفا و برادری، بحث دریافتن بهترین راهی که بتوان به تحکیم روابط دین و ایمان خدمتی کرد و پیروی از دلیل قوی، از هر افقی که بدرخشد (بی آزار شیرازی، ۱۳۵۷ ش، ص ۳۵۵)

تا زمانی که تنش و نزاع در جامعه وجود داشته باشد و یا کشورهایی که در همسایگی یکدیگر قرار دارند، از رابطه خوبی برخوردار نباشند و به حسن هم جواری پایبند نباشند، نمی توان انتظار داشت که آسایش، رفاه و امنیت که از ضروریات اولیه زندگی هر انسان و اجتماع انسانی می باشد، تأمین شود.

راهکارهای ارائه شده در بعد ایجابی

تأکید بر برادری مسلمانان

نگاه به قرآن کریم نشان می دهد که از منظر قرآن الفت و برادری که بین مسلمین وجود دارد، از نعمت های خداوند است که این الفت و مهربانی و در حقیقت یکسان بودن انسان ها می تواند عاملی مهم در دوری از دشمنی ها باشد. آن جا که می فرماید:

«وَأَذْكُرُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا.» (آل عمران/ ۱۰۳) (و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آن گاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دل های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید).

امام خمینی (ره) توجه مذاهب اسلامی به برادری و اخوت دینی را مهم ترین راهبرد جهت تقریب دانسته است. به طوری که این مقوله در بیانات مختلف امام تکرار شده است (امام خمینی، ۱۳۹۸ ش، ج ۲، ص ۴۰۴ و ۴۶۰ و ۴۶۲ و ج ۷، ص ۴۹۲ و ج ۸، ص ۷۵) ایشان در بیانی می فرمایند: «اگر ما هیچ جهتی را ملاحظه نکنیم الا برادری خودمان، انسجام پیدا می کنیم...» (امام خمینی، ۱۳۹۸ ش، ج ۱۱، ص ۴۹۱)

ایشان در جای دیگر با اشاره به حکم قرآن کریم، وظیفه ی خود را حفظ اخوت بین برادران اسلامی که موجب به ثمر رسیدن نهضت مقدس اسلامی است، معرفی کرده است (امام خمینی، ۱۳۹۸ ش، ج ۷، ص ۲۸۲).

می توان گفت با توجه به ریشه ی تاریخی این مقوله در اسلام است که امام خمینی به صراحت به برادری شیعه و سنی اشاره نموده و بر آن تأکید نموده است: ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم؛ واحد هستیم که مسلمان و برادر هستیم. اگر کسی کلامی بگوید که باعث تفرقه بین ما مسلمان ها بشود، بدانید که یا جاهل هستند یا از کسانی هستند که می خواهند بین مسلمانان اختلاف بیندازند (امام خمینی، ۱۳۹۸ ش، ج ۶، ص ۱۳۳).

شیخ شلتوت با تأکید بر آموزه های اسلام، خداوند واحد را به عنوان یک اصل مشترک پذیرفته شده، عامل برادری و اتحاد مسلمانان می داند و می آورد: اسلام مردم را به وحدت فراخوانده و محوری را که

مسلمانان باید به آن تمسک جویند و گرداگرد آن جمع آیند، اعتصام به حبل الله قرار داده است. این مطلب در بسیاری از آیات قرآن حکیم آمده است. رساترین آن در قول خداوند متعال در سوره آل عمران است (واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا). خداوند از مطلق تفرقه نهی کرده است که شامل تفرقه به سبب تعصب نیز می شود. حدیثی صحیح می گوید: «لا عصبیه فی الاسلام». در دین اسلام تعصب وجود ندارد (ویژه نامه جمهوری اسلامی، ۱۹ دی ۱۳۷۹، ص ۹). سعی امام (ره) بر آن بوده است که با تأکید بر مقوله ی برادری مسلمانان حول خدا و قرآن یگانگی و اتحاد با یکدیگر، آن ها را از تکرر و تفرق به وحدت دعوت نماید.

تأکید بر انجام عبادات جمعی

از منظر امام خمینی (ره) وجود عبادات دسته جمعی نظیر نماز جمعه، نماز جماعت و حج می تواند زمینه ساز پیوندهای اجتماعی و تقریب مذاهب گردد. باید گفت انجام عبادات دسته جمعی به لحاظ روح جمعی حاکم بر فضای آن عبادات زمینه ساز الفت بوده و می توان آن را برای رسیدن به تقریب مذاهب اسلامی مورد توجه قرار داد که در این میان فریضه حجم اهمیت بیشتری دارد. به طوری که کعبه ی واحد و انجام اعمال واحد در حج ملل مسلمان را به صورت واحدی در کنار هم قرار می دهد. این جاست که امام خمینی فریضه حج را یکی از بزرگ ترین فریضه های عبادی - سیاسی اسلام و بزرگ ترین کنگره های جهان اسلام (امام خمینی، ۱۳۹۸ ش، ج ۱۰، ص ۱۲۶ و ۱۵۸) نامیده و شرط همه مناسک را اجتماع همه مسلمانان در این مراحل و موافق و وحدت کلمه تمامی طوایف مسلمین بدون اعتنا به زبان و رنگ و قبیله و طایفه و مرز و بوم و عصبیت های جاهلی و هماهنگ خروشیدن بر دشمن مشترک داشته است (امام خمینی، ۱۳۹۸ ش، ج ۲۰، ص ۹۰).

هم چنین امام (ره) بر حضور شیعیان در جماعات اهل سنت، فتوا داده و از تشکیل نماز جماعت در منازل و گذاشتن بلندگوهای مختلف رویه منع نموده است (امام خمینی، ۱۳۹۸ ش، ج ۱۰، ص ۶۲). ایشان در بیانی دیگر به منظور ایجاد انسجام مابین شیعه و اهل سنت به شیعیان دستور می دهد در ایام حج در وقتی که در مسجد الحرام یا مسجد النبی، نماز جماعت منعقد شد، مؤمنین، نباید از آن جا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین، به جماعت، نماز بخوانند (امام خمینی، ۱۳۹۳ ش، ص ۳۲۲).

تبادل آراء مسلمانان با یکدیگر

تبادل آرا و مشاوره سبب می شود که بهترین اندیشه به شکل بهترین طرح بروز نماید. چنان چه پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله به آن اشاره نموده است. از آنجا که می فرماید: «ما تَشَاوَرَّ قَوْمٌ فَطُ أَلَا هُدُوا لِرَأْشَدٍ أَمْرِهِمْ». «هیچ گروهی مشورت نکرد جز آن که به بهترین برنامه، راه یافت». (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۵، ص ۱۰۵).

از این روست که امام خمینی فرصت اجتماع مسلمانان در حج را غنیمت شمرده و از تمامی مسلمانان خواسته است، در مورد مصالح اسلام و مشکلات مسلمین تبادل آرا نموده و در حل مشکلات و راه رسیدن به آرمان مقدس اسلام، تصمیمات لازم را اتخاذ نموده و راه های اتحاد بین همه طوایف و مذاهب اسلامی را بررسی کنند و در امور سیاسی مشترک بین همه طوایف، مشکلاتی را که برای مسلمین جهان به دست دشمنان سرسخت اسلام پیش آمده است که اهم آن اختلاف انگیزی بین صفوف مسلمانان است را چاره اندیشی بنمایند (امام خمینی، ۱۳۹۸ ش، ج ۱۹، ص ۳۲۱). لذا امام خمینی با آگاهی از فواید تبادل آرا و نظریات آن را به عنوان راهبرد و راه کاری مهم در راستای تقریب

می دانسته و از آن سود برده است.

علم الخلاف گامی در جهت تقریب

توجه به آراء و نظرات سایرین که با برهانی مسلم و قابل پذیرش به اثبات رسیده است را می توان اقدامی در راستای کاهش تنش ها و نزدیک شدن به یکدیگر دانست. علم الخلاف از جمله علوم اسلامی است که در آن بدون توجه به مذهب خاص و به دور از هرگونه تعصب و لجاجت علوم مشترک بین مذاهب اسلام همانند فقه، کلام، تفسیر و... به صورت مقارنه ای و تطبیقی مورد مطالعه و بحث قرار می گیرد. این علم در بین دانشمندان اسلام از دیرباز مورد توجه بوده و از شیعه و اهل سنت عالمان بسیاری را می توان نام برد - سید مرتضی، علامه حلی، شیخ طوسی، ابوزید دبوسی، طبری، مروزی - که علوم اسلامی را به صورت مقارنه ای و با مدنظر قرار دادن آراء سایر فقها و علمای مذاهب دیگر پیش می بردند که این خود نشان از آن است که می توان به نقد و بررسی آراء بدون تعصب و تکفیر، پرداخت. تأسیس فقه مقارن در دانشگاه الازهر یکی از اقداماتی می باشد که حرکتی بود در جهت نزدیکی بیشتر مذاهب اسلامی حول دانش محوری مسلمان، فقه، تا از این ره آورد از اختلافات موجود کاسته شود و مجالی برای فهم هر چه بیشتر یکدیگر باشد.

دشمن شناسی و مقابله با توطئه های آن ها

موضوع دشمن شناسی از شناخت های مهم انسان در عرصه ی رشد وی تلقی شده و در تقریب مذاهب از جهت نقشی که در جهت آگاهی از توطئه های دشمنان و خنثی نمودن نقشه های آنان ایفا می کند، حائز اهمیت است. از این روست که امام خمینی به این امر توجه نموده و شناسایی دشمنان و نقشه های آنان و آگاه کردن مردم از توطئه های آنان را مورد تأکید قرار داده است و حتی در وصیت نامه ی خود به تمام مسلمانان جهان سفارش می کنند که تبلیغات تفرقه افکن خانه برانداز را خنثی کنند و به انسجام وحدت خود به هر راه ممکن افزایش دهند (امام خمینی، وصیت نامه امام، ص ۲۰). امام (ره) در پیامی دیگر دشمن شناسی و نابودی تفرقه افکنان را وظیفه ی علما و دانشمندان سراسر جهان، به ویژه علما و متفکران اسلام دانسته است که یک دل و یک جهت، در راه نجات بشریت از تحت سلطه ظالمانه این اقلیت حيله باز و توطئه گر - که با دسیسه ها و جنجال ها، سلطه ظالمانه خود را بر جهانیان گسترده اند - بپاخیزند و با بیان و قلم و علم خود، خوف و هراس کاذبی را که بر مظلومان سایه افکنده است، بزدايند و این کتاب هایی را که اخیراً با دست استعمار که از آستین کثیف این بردگان شیطان، منتشر شده و دامن به اختلاف بین طوایف مسلمین می زنند، نابود کنند و ریشه خلاف - که سرچشمه همه گرفتاری مظلومان و مسلمانان است را برکنند (امام خمینی، ۱۳۹۸ش، ج ۱۹، ص ۱۴۸).

زندگی مسالمت آمیز

زندگی مسالمت آمیز در عین به رسمیت شناختن تمایز هویتی مذاهب راه کار دیگر امام خمینی جهت رسیدن به این امر می باشد. ایشان با تمرکز روی مفهوم وحدت آن را به معنای دست کشیدن از هویت قبلی ندانسته، بلکه آن را زندگی مسالمت آمیز در کنار هم معنا کرده است (امام خمینی، ۱۳۹۸ش، ج ۱۶، ص ۴۷). امام خمینی (ره) هم دلی مسلمانان را خنثی کننده ی تبلیغات دشمنان معرفی نموده (امام خمینی، ۱۳۹۸ش، ج ۱۷، ص ۴۴۳) و تأکید نموده است که همه با هم هم صدا و هم دل و کمک کار باشند تا نگذارند اختلافات ناشی از تفرقه به وجود آید (امام خمینی، ۱۳۹۸ش،

ج ۱۲، ص ۲۱۷) احتمال دارد این فرمایش راهبردی امام الهام گرفته از روایاتی نظیر روایت «إِنَّهُ لَا غَنَاءَ فِي كَثْرَةِ عَدَدِكُمْ مَعَ قَلْبِهِ اجْتِمَاعِ قُلُوبِكُمْ. لَقَدْ حَمَلْتُمْ عَلَى الطَّرِيقِ الْوَأَصْحِ الْبَتَى لَا يَهْلِكُ عَلَيْهَا إِلَّا هَالِكٌ، مَنْ اسْتَقَامَ فَإِلَى الْجَنَّةِ وَ مَنْ زَلَّ فَإِلَى النَّارِ.» (نهج البلاغه، ص ۱۷۶) باشد که در آن بر لزوم هم دلی مسلمین و جوشش درونی و پیوستن دل ها به یکدیگر جهت ایجاد وحدت ملی و مذهبی تأکید شده است یا مستند ایشان در این راهبرد روایاتی باشد که ضرورت اهتمام به امور مسلمین از هر فرقه را شرط مسلمانی لحاظ کرده است. آن جا که می فرماید: «مَنْ أَصْبَحَ لَأَيِّهْتُمْ لَأَيِّهْتُمْ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۳۳۷).

انسان ها جدای از اعتقاد و مسلک خود به حکم انسانیت در قبال یکدیگر مسئول بوده و در دین اسلام مسلمین برادر یکدیگر شمرده شده اند و این نشان از اهتمام اسلام نسبت به وضعیت پیروان خود و مسئولیتی است که در این رابطه متوجه آن ها است، می باشد: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ.» (حجرات/۱۰).

تأکید بر آموزه های مشترک فرق

تمامی فرق و مذاهب اسلامی با همه تفاوت هایی که از منظر برخی از آموزه ها دارند در اصولی ترین امور - خدای واحد، پیامبر واحد، کتاب واحد و ایمان به معاد- مشترک هستند که توجه به این اشتراکات زمینه ی هم سویی را بین پیروان مذاهب فراهم می آورد و این امری است که در بیانات امام خمینی و شیخ شلتوت به عنوان راهبردی در این زمینه مطرح شده است. از منظر آن بزرگوار مسلمانان نباید فرقه های مذاهب را مایه ی تفرقه بشمارند، بلکه لازم است با توجه به وحدت اصولی آن ها با هم ارتباط و پیوند یابند. یکی از موارد اشتراک تمامی مذاهب اسلامی، توحید است که به عنوان اساسی ترین رکن اعتقادی، با آموزش اندیشه ی یگانگی تأثیر گذارترین امر در ایجاد تقریب می باشد. به طوری که می توان گفت وحدت جامعه امری است که از ریشه ی توحید نشأت می گیرد. از این روست که خداوند در آیه ی ۹۲ سوره ی انبیاء «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُونِ» (این است امت شما که امتی یگانه است، و منم پروردگار شما، پس مرا بپرستید.) بعد از ذکر امت واحده به مقوله ی توحید اشاره شده است و نشان می دهد این یگانگی به خاطر آن بوده که همه از یک مبدأ سرچشمه گرفته اند.

راهکارهای ارائه شده در بعد سلبی

منظور از راه کارهای ارائه شده در بعد سلبی راه کارهایی است که در بیان و اندیشه امام(ره) جهت رسیدن به تقریب مذاهب مسلمانان از ان نهی شده است.

پرهیز از تعصب و لجاجت

تعصب که به معنای وابستگی غیرمنطقی به مذهب یا عقیده یا آداب و رسوم خاصی است، مانعی بزرگ بر سر راه عقل گرایی بوده و عامل مهم اختلاف افکنی محسوب می شود. از منظر امام خمینی (ره) تعصب، پیوندهای وحدت و اتحاد را در جامعه ی بشری از بین می برد؛ لذا در خطاب به حجاج توصیه کرده است، دست برادری را هر چه بیش تر بفشارند و مصالح عالیه اسلام و مسلمین مظلوم را فدای فرقه گرایی و ملی گرایی نکنند و برادران مسلم خود را هر چه بیش تر متوجه به توحید کلمه و ترک عصبیت های جاهلی که جز به نفع جهان خواران و وابستگان آنان تمام نمی شود، بنمایند که این، خود، نصرت خداوند تعالی است(امام خمینی، ۱۳۹۸ش، ج ۲۰، ص ۹۴).

پرهیز از جهل و ناآگاهی

جهل و ناآگاهی مسلمانان از مذاهب دیگر و داشتن دیدگاه های تنگ نظرانه مانعی مهم بر سر تقریب مذاهب به شمار می رود. در این میان می توان ملاک قرار دادن گفته های عوام به عنوان ملاک و معیار قضاوت درباره آن مذهب را نیز به جهل ملحق کرد. امام خمینی (ره) علت ایجاد اختلاف بین مسلمین را یا جهل می داند و یا خیانت: این ها یا جاهلند و نمی فهمند چه می کنند یا عامدند و خائن (امام خمینی، ۱۳۹۸ش، ج ۶، ص ۳۶۲).

شناخت تبار تفرقه افکنان و ضرورت گذار از عوام گرایی

در نگاه امام خمینی، ریشه ی اختلاف میان دو طایفه ی بزرگ اسلام، مربوط به صدر اسلام است: «مسأله ی اختلاف بین پیروان دو طایفه و دو مذهب، ریشه اش از صدر اسلام است. در آن وقت خلفای اموی و خصوصاً عباسی، درصدد بودند که اختلاف ایجاد کنند. مجالس درست می کردند و [ابه اختلاف] دامن می زدند» (امام خمینی، ۱۳۹۸، ج ۶: ۹۴). دشمنان در طول زمان دریافتند که اختلاف میان شیعه و سنی از هر سلاخی کارآمدتر و کم هزینه تر است؛ لذا همان اختلاف صدر اسلام «کم کم اسباب این شد که در بین عوام از اهل سنت و عوام از اهل شیعه این تنافس پیدا شد؛ وگرنه، نه عوام اهل سنت به سنت رسول الله عمل کرده و می کنند و نه عوام اهل شیعه پیروی از ائمه اطهار کرده اند» (همان). به بیان دیگر، عوام هر دو گروه، در شعله ور شدن این اختلافات و هتک مقدسات، نقش مؤثری ایفا کرده اند. عوام از هر دو گروه، بسیار به اسلام ضربه زدند و در واقع، آن ها آلت دست دشمنان شدند. از نظر امام خمینی، عوام از شیعه و سنی که برخی کارهای اختلاف برانگیز را مرتکب می شوند، پیرو اسلام و ائمه ی اطهار نمی باشند (همان). ایشان برای خنثی کردن این توطئه ها، بر برادری میان شیعه و اهل سنت تأکید می کنند؛ تا آن جا که یکی از برکات انقلاب را، ایجاد اتحاد میان شیعه و سنی دانسته اند. بنابراین، رسالت انقلاب اسلامی و هرگونه الگو و سند محوری در زمینه ی آن، باید در راستای گذار از عوام گرایی مخرب باشد.

درک دشمن مشترک از دیدگاه امام خمینی

این معنا مورد توجه امام خمینی بوده است: «دشمن مشترک ما داریم؛ به این دشمن مشترک باید ما با هم حمله کنیم و آن ها را نگذاریم که خدای نخواسته، در صفوف ما یک رخوتی ایجاد بشود» (امام خمینی، ۱۳۹۸، ج ۱۷: ۴۹۹). «همه باید با هم باشیم و یک دشمن مشترک آمده است و باید اول دشمن مشترک را دفعش کنیم» (همان، ج ۱۶: ۲۸۸). ایشان در جای دیگری بیان کرده اند: «شرط همه ی مناسک و مواقف برای رسیدن به آرزوهای فطری و آمال انسانی، اجتماع همه ی مسلمانان در این مراحل و مواقف و وحدت کلمه ی تمامی طوایف مسلمین است؛ بدون اعتنا به زبان و رنگ و قبیله و طایفه و مرز و بوم و عصبیت های جاهلی» (همان، ج ۲۰: ۱۹). «شما آن قدر دشمنان مشترک دارید که باید با همه ی توان در برابر آنان بایستید؛ لکن اگر دیدید کسی از اصول تخطی می کند، در برابرش قاطعانه بایستید» (همان، ج ۲۱: ۱۸۰). بنابراین مسلمانان با درک وجود دشمن مشترک می توانند برای وحدت و تقریب، بیش تر، شایسته تر و جدی تر تلاش کنند.

شناخت شیوه برخورد ائمه ی اطهار (ع) با اهل سنت

امام خمینی شیوه برخورد اهل بیت با اهل سنت را این گونه بیان می کنند: «بین شیعه و سنی ابداً تفرقه نیست؛ بین شیعه و سنی نباید تفرقه باشد. باید وحدت کلمه را حفظ کنید. ائمه ی اطهار ما

سفارش کردند به ما بپیوندید با هم؛ و با هم اجتماع مان را حفظ کنیم و کسی که این اجتماع را بخواد که به هم بزند، یا جاهل است و یا مغرض» (همان، ج ۶، ۸۴).

ایشان در جای دیگری می فرماید: «ائمه ی اطهار ما کوشش کردند تا این ها را داخل در آن جمعیت کنند؛ با آن ها نماز بخوانند؛ به تشییع جنازه های آن ها بروند. زمان کم آمد به این طرف و قدرت مندان این کار را کردند برای این که این دو طایفه با هم سرگرم باشند و خودشان هر کاری می خواهند بکنند» (همان: ۹۴).

ایشان در معرفی سیره ی ائمه ی اطهار (ع). به عنوان مثال، به زیدبن شحام اشاره می کند که از امام صادق (ع) نقل کرده است که حضرت فرمود: «به اخلاق مردم [اهل سنت] متخلق شو و در مساجد آن ها نماز بگذار و از بیماران آن ها عیادت کن و در تشییع جنازه های آنان شرکت نما و هنگامی که شما این کارها را انجام دادید می گویند: این ها جعفری هستند؛ رحمت خداوند بر ایشان که چه زیبا و نیکو افراد خود را ادب کرده اند» (من لایحضره الفقیه، ج ۱: ۳۸۳؛ وسائل الشیعه، ج ۸: ۴۷۷؛ الامالی: ۱۴۱؛ بحارالانوار، ج ۲۱: ۵۱؛ الامام علی (ع): ۱۹۳).

تکیه بر مشترکات امت اسلامی

منطق قرآنی تکیه بر مشترکات ادیان مختلف در راستای اهداف والای الهی و انسانی است؛ چه رسد به مذاهب یک دین. خداوند متعال خطاب به اهل کتاب می فرماید: «بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی کلمه ای یکسان میان ما و شما، که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا فرمانروای خود نگیرند» (آل عمران: ۶۴). قرآن کریم این پیام را نیز برای مسلمانان دارد که برای مقابله با حوادث و جلوگیری از هرگونه نزاع و درگیری، بر مشترکات میان خود تکیه کنید و اختلافات را کنار بگذارید. مسلمانان به جای این که مشترکات را طرح کنند و با گسترش آن به همدلی و پیشرفت نایل شوند، با طرح مسائل اختلاف برانگیز، هم دیگر را متهم کرده و باعث نابودی قدرت و شوکت خود می شوند. این در حالی است که وقتی قرآن کریم اهل کتاب را امر به اخذ مشترکات می کند، به طریق اولی مسلمانان باید به این فراز نورانی عمل کنند و به جای طرح مسائل اختلافی و مشکل آفرین برای هر دو گروه، بر مشترکات خود تکیه کنند و مواردی را که باعث ایجاد تفرقه می شود را طرح نکنند و یا منطقی و مستدل و علمی با آن برخورد کنند. از جمله مشترکات میان مسلمانان می توان به اصولی چون توحید، قرآن کریم، پیامبر (ص) و قبله اشاره کرد که همه ی فرقه ها و مذاهب در آن ها متفق می باشند و با تکیه و تأکید بر این مؤلفه ها می توانند بر بسیاری از مشکلات غلبه کنند. امام خمینی نیز با دست گذاشتن بر این خصیصه، درصدد جمع آوری مسلمانان حول این محور برآمدند. ایشان ضمن تأکید بر اخوت میان شیعه و سنی بیان می گوید: «ما با برادران اهل سنت خود هیچ اختلافی نداریم؛ همه اهل ملت واحد و قرآن واحد هستیم» (امام خمینی، ۱۳۹۸، ج ۶: ۳۸۴) کسانی که اهل یک ملت و قرآن هستند چگونه به جان هم می ریزند و با اختلاف و تفرقه خود را به نابودی می کشند؟! ایشان در جای دیگری می فرماید: «همان طوری که اهل سنت چهار مذهب دارند که در کنار هم اند، مذاهب نمی ریزند به جان هم، به حسب ظاهر، ما هم که مذهب پنجمی هستیم که می نشینیم با هم، ما برای خودمان فرایضمان را انجام بدهیم، لکن همه مان با هم بر ضد کسانی که بر ضد اسلام هستند. خوب، ما مسائل مشترک زیاد داریم؛ ما در اصول مذاهب مان، اصول دینی مان، همه با هم مشترکیم» (همان، ج ۱۴: ۵۰۸).

از نظر معمار کبیر انقلاب اسلامی، اگر مسلمانان به این اصول توجه داشتند، دو فرقه ی بزرگ

اسلامی با هم به جنگ نمی پرداختند و این طایفه آن طایفه را تکفیر نمی کردند(همان، ج ۱۵: ۴۷) و با اعتصام به حبل الله می توانستند از حضيض ذلت به اوج عزت برسند؛ اما متأسفانه دشمنان به درک این واقعیت که «اختلاف بینداز و حکومت کن» مسلمانان را با ایجاد تفرقه از هم جدا کرده و استفاده های فراوانی از کشورهای اسلامی بردند(همان: ۴۵۴).

تداوم انقلاب اسلامی با رویکردتقریب مذاهب در آراء امام خمینی(ره)

امام خمینی مهمترین وجه تأثیرگذاری انقلاب را حرکت بر مبنای تربیت سیاسی اخلاق مدار میدانند. وی معتقد است که احکام اخلاقی اسلام، سیاسی است. مثال احکامی که درباره اینکه مؤمنین برادر هستند، این حکم، هم یک حکم اخلاقی، هم سیاسی و هم اجتماعی است(امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۱۳۰) امام اخلاق را حد میانگین قوای نفس و فضایل انسانی میدانند(امام خمینی، ۱۳۸۲: ۵۱۰) و در تقریر مباحث فلسفه امام نیز، برخی سیاستهای غیر الهی و حکومتهای طاغوت را بر جهات افراط و تفریط این قوا حمل نموده اند(اردبیلی، ۱۳۸۱: ۳۶۵-۳۶۶) امام معتقد است غایت دعوت و تلاش انبیا کمال اخلاق است و اخلاق را پایه و ریشه های سیاست سطح کلان [حکومت] می داند(امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۱۷۶-۱۷۷).

امام تا جایی پیش میرود که بیان میکند اسلام همه اش سیاست است. از منظر امام همه بخش های اسلام [عقاید، احکام، اخلاق] سیاسی است(امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۷۰) امام نتیجه معارف الهی و هدف انبیا را بیدار کردن بشریت و هوشیار نمودن غافلان و کشاندن افراد از ظلمات و طبیعت و حالات حیوانی به سمت نور و عالم ملکوت و جبروت می داند(امام خمینی، ۱۳۹۲: ۲۸۵-۲۸۸)

امام خمینی بر اخلاق منبعث از موازین شرعی [حجیت خبر و احد] تأکید کرده و عقل عملی را با عمل صالح پیوند داده است. امام علاوه بر پذیرش حد وسط و میانگین بودن قوا، معتقد است که مباحث اخلاقی بایستی رغبت و شوق انجام عمل اخلاقی را هم پدید آورد. بنا بر تقریر درس فلسفه امام، اخلاق می تواند جلوی حرکت قهری و طبیعی انسان را به سمت طبیعت بگیرد و او را به سمت ملکات فاضله ببرد و تمایز انسان ها با همدیگر در کسب اختیاری فضائل است و کسب فضائل باعث می شود تا انسان سیر رحمانی داشته باشد(اردبیلی، ۱۳۸۱: ۳۳۵-۳۳۹) بر این اساس از دیدگاه امام برای تحقق اخلاق، وجود سیاست به معنای حکومت دینی قیدی الزامی است.

اصل آزادی

شاید بتوان گفت آزادی مهم ترین مفهوم در راستای تحلیل و تحقق حق در فقه سیاسی اسلام است. امام خمینی ضمن اینکه معتقد است دموکراسی اسلام کامل تر از دموکراسی غرب است(امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۳۰) بر این باور است که قانون اسلام مسبب آزادی ها و دموکراسی حقیقی است و استقلال کشور را نیز تأمین می کند(همان، ج ۴: ۲۰۵)

اصل مدارا

دومین اصلی که در این مجال به عنوان اصلی لایتغیر و انسانی، اخلاقی و شرعی بر آن تأکید می گردد اصل مدارا است. مدارا یکی از روش های مثبت در رفتار اجتماعی و فقه حاکمیتی به شمار می رود. روش و منش پسندیده ای که در فرهنگ عمومی بشر دیرزمانی است نام آن شنیده می شود و حکیمان آن را حکمت عملی می دانند(نصیرالدین طوسی، ۱۳۹۱: ۴۵) که عقل و منطق بشری به آن فرا می خواند و پیامبران الهی به تأیید آن پرداخته اند و بر آن تأکید کرده اند تا انگیزه ثانوی رضایخ

داوندی را در کنار انگیزه‌ی اصلی «مقتضای عقل و منطق» قرار دهند و به تحقق آن یاری رسانند. در روایتی صحیحیه از امام صادق(ع) از قول پیامبر اکرم(ص) می‌خوانیم «أمرنی ربی بمداره الناس كما أمرنی بالفرائض»(الکافی، ۲: ۱۱۷) در نقل دیگر از پیامبر اکرم(ص) آمده است که «أمرت بمداره الناس كما أمرت بتبلیغ الرساله»(حرآنی، ۱۳۵۵: ۴۸) توجه به این نکته در بیان شریف حضرت ختمی مرتبت(ص) که تبلیغ رسالت همسنگ و هم عرض مدارا با نوع بشر مطرح گردیده است و نه در طول آن و نوعی مأموریت دوگانه الهی پیامبر را در این خصوص بیان می‌کند، نشان گر رویکرد کلی و اساسی شریعت محمدی(ص) است.

در بعد فردی و اخلاقی اجتماعی با پیش زمینه حاکمیت فقه سیاسی، زمینه های اخلاقی تحقق مدارا عبارت اند از: تواضع و فروتنی، انصاف، عدالت و پرهیز از افراط و تفریط و حفظ تعادل، عدم پیروی از غیرعلم، حلم، تغافل، تحمل، رفق، صبر، کرم، ایثار، که در این خصوص رویکرد تأییدی شریعت از راهکارهای اخلاقی انسانی منجر به مدارا، قابل تردید نیست. مولای متقیان علی(ع) می‌فرماید: «العافل نصفه تغافل و نصفه احتمال»(آمدی، بی تا: ۱۱۷) که قطعاً این روایت ناظر به بعد اجتماعی اخلاق مؤمنانه است که در اخلاق سیاسی نیز ظهور چشم گیری دارد. امام صادق(ع) می‌فرماید: «خردمندترین مردم کسی است که بیش ترین مدارا را با بشر داشته باشد(صدوق، ۱۴۱۳ق: ج ۴: ۳۹۵) مدارا در حکمرانی یک تاکتیک مقطعی نیست، بلکه اصلی عقلی و یک استراتژی دائمی است که در تمام زمان ها و مکان ها کاربرد دارد. در برخی روایات حتی به ضرورت مدارا در حکومت اهل بیت [اقیام قائم] نیز تأکید شده است. یعنی در اوج اداره اسلام نیز تقیه مداراتی وجود دارد.

بنابراین سیاست عمده اجرایی اسلام، مبتنی بر تقیه مداراتی است و مقصود از آن رعایت تحمل فکر بشر برای تحمل اندیشه ها و راهکارهای شرعی است. خواه حکم شرعی باشد یا روایی. به همین جهت دستور ترغیب انسان ها به اندیشه ها و راهکارهای شرعی داده شده است. یعنی وظیفه اصلی دانشمندان و اهل شریعت، تبیین حقایق دین و شریعت به گون هایی است که باعث رغبت و تمایل خردمندان مردم و متفکران جهان به اندیشه های شرعی است. عدم توجه به عقلانیت بشری، با ادعای دفاع از شرع و لزوم اجرای احکام شرعی و اجرایی کردن برداشت های غیرمنطقی به اسم شریعت، صرفاً افکار عمومی جهانیان را نسبت به دین و شریعت بدبین می‌کند.

راهکارهای عملی وحدت معقول امت اسلامی و تشکیل تمدن نوین

تغییر در شیوه های آموزشی و منابع درسی مسلمانان در مدارس و دانشگاهها

از دیگر شیوه های ایجاد تمدن نوین اسلامی، تغییر در روش های آموزشی و منابع درسی مسلمانان در مدارس و دانشگاه ها است. افزون بر اینکه پیش فرض چنین تمدن سازی این است که همه این ذخایر و ثروت های عظیم انسانی و طبیعی به جهان اسلام تعلق دارد و روا نیست که مسلمانان از این ثروتها و داشته های غنی خود که با رشادتها و پایمردی های مسلمانان و در پرتو دین مبین اسلام به دست آمده است، غافل یا بی اطلاع باشد. چرا که بی اطلاعی از این ذخایر، بی هویتی و احساس عدم تعلق به گذشته را در پی دارد. «باید در مدارس و دانشگاههای اسلامی تاریخ و جغرافیای طبیعی و اقتصادی اسلام به طالبان علم و معرفت تعلیم داده شود تا برداشته های خود ببالند و بر نداشته های خود نیز چاره ای بیندیشند. گرچه در کنار این تعلیمات می توان بحث ها و مناظرات علمی دوستانه در میان علما و دانشمندان مسلمان درگیر و موجبات ارتقاء سطح دانش و آگاهی آنان و همین طور رفع اختلافات عقیدتی را فراهم آورد(ابوزهره، ۲۰۰۸، ۲۸۰).

آگاهی بخشی به جامعه با راه اندازی نشریات، مطبوعات، سایت ها و شبکه های ماهواره ای مختلف چنانکه برای نمونه سید جمال در افغانستان به کمک امیر شیر علی خان در سال ۱۲۹۰ نشریه شمس النهار را تاسیس کرد. همچنین انتشار نشریه معلم شفیق در هندوستان با همکاری محب حسین؛ تاسیس. روزنامه حبل المتین؛ تاسیس روزنامه ضیاء الخافقین در لندن (به سال ۱۳۰۹ ق) به زبان عربی و انگلیسی. و نیز انتشار روزنامه های متعدد در مصر و سپس روزنامه عروه الوثقی در اروپا.

همبستگی و ارتباط عالمان دینی و متفکران اسلامی

در جهت سازماندهی درجات علمی و وظایف عالمان؛ ایجاد مرکزیت دینی و گفتگویی؛ ایجاد تشکیلاتی نظیر جمعیت سری عروه؛ تقویت دارالتقرب ها و تشویق و حمایت مالی آنان به منظور برپایی نشست های علمی دوستانه و صمیمی، از دیگر اقدامات عملی مناسب در جهت وحدت بخشی جوامع اسلامی است.

شناسایی عوامل درونی و بیرونی تفرقه

شناسایی عوامل درونی و بیرونی تفرقه و مراقبت و ممانعت از ورود آنان به صفوف مسلمین و سپس تفرقه پراکنی، از دیگر عوامل تاثیر گذار در تشکیل تمدن نوین اسلامی است. به بیان دیگر، مسلمانان به منظور ایجاد تمدن نوین اسلامی باید پیوسته به عوامل تفرقه آفرین درونی مثل متحجران، ظاهر گرایان، غرب زدگان، علمای درباری، تعصبات نابجا و رذایل اخلاقی؛ و همچنین عوامل بیرونی نظیر حيله ها و دسیسه های دشمنان، که بعضاً در قالب خیر خواهی و نصیحت و ابراز دوستی و محبت ارائه می شود، توجه تام و تمام داشته باشند «اننا نقول مع الاسف الشديد ان الخلاف الطائفي يشبه ان يكون نزعه عنصریه و ان الذین یریدون الکید للمسلمین یتخذون من ذلك منفذا ینفذون منه الی صفوفهم، ليقطعوا الواحده الاسلامیه فیجب ان نسد الطریق امامهم» (ابوزهره، ۲۰۰۸: ۲۷۶). و یا به تعبیر ایشان: «ان الاربیبین و السامریکان خولوا مساجد المسلمین الی کنانس و ماذنهم الی اجراس» (همان: ۲۸۱).

احیاء زبان عربی در بلاد اسلامی

اگر چه ممکن است احیاء زبان عربی در بلاد اسلامی برای همه دولت ها امکانپذیر نباشد، اما می تواند به وحدت جوامع اسلامی مدد رساند. کشورهای مسلمان غیر عرب می توانند از زبان عربی را که زبان قرآن است، به عنوان زبان دوم کشور خود استفاده کنند؛ به گونه ای که در تعاملات فکری و فرهنگی یا اقتصادی و نظامی و نظایر آن مشکلی در تفهیم و تفاهم نداشته و نیازی به مترجم نداشته باشند. البته این سخن با یادگیری سایر زبانها به خصوص زبان انگلیسی منافاتی ندارد. اگر قرار است در میان مسلمانان جهان صنعت توریسم اسلامی شکل گرفته، رفت و آمدها آسان، و تبادلات علمی و فرهنگی و نظایر آن استمرار یابد، پس چاره ای جز این نیست که زبان مشترکی میان آنها وجود داشته باشد که همگی بتوانند بدان زبان تکلم کنند. زبان عربی افزون بر این که زبان تفاهم و تبادل و زبان سنت است، زبان مشترکی است که همگان بدان زبان به عبادت می پردازند.

ترجمه علوم و دانش های مختلف به زبان عربی

ترجمه علوم و دانش های مختلف به زبان عربی، کاری است که از دوران ایران باستان و عصر ساسانی و بخصوص در دهه های آغازین شکل گیری اسلام و خلافت عباسی آغاز شده بود. همچنین اقدام مجدد در جهت تاسیس دارالترجمه و بیت الحکمه ها می تواند در برگردان تراث عظیم فرهنگی و

تمدنی اسلام به زبان واحد، و همچنین آثار سایر ملل و فرهنگ‌ها به زبان عربی متمر ثمر واقع شده و در رشد و تعالی علمی و فرهنگی مسلمانان نقش مثبتی را ایفا کند.

تشکیل اجتماعات بزرگ اسلامی و نشست‌های نقد و مناظره علمی

از دیگر راه‌های ایجاد تمدن نوین اسلامی، تشکیل اجتماعات بزرگ اسلامی و نشست‌های نقد و مناظره علمی است. البته به منظور جلوگیری از ایجاد حساسیت‌های احتمالی و پرهیز از شائبه دولتی و جهت دار بودن این نشست‌ها، بهتر آن است که اداره‌کنندگان این مجامع، دولت‌ها نباشند و این نشست‌ها از طریق ارگانها و سازمانهای غیر دولتی و یا مجامع علمی و دانشگاهی برگزار گردد. چنانچه بتوان در این نشست‌ها و مجامع، که در آن همه از جایگاه برابر برخوردارند و از پیش تعیین نشده است که موضوع یا ایده و تفکری خاص به حضار دیکته شود، از همه ادیان جهان و دست کم از همه فرق دینی مسلمانان دعوت به عمل آورد تا صادقانه و بی طرفانه مسائلی را که محل اختلاف و نزاع است، مورد بررسی و واکاوی قرار دهند.

ایجاد وحدت اقتصادی و ائتلاف سیاسی و نظامی

از دیگر اقداماتی است که جوامع مسلمان باید در آن راستا همکاری و مشارکت جدی داشته باشند، ایجاد وحدت اقتصادی و ائتلاف سیاسی و نظامی است. دولت‌های مسلمان چنانچه واقعاً به دنبال وحدت و اتحاد دینی هستند، باید در عرصه عمل نیز چنین اتحادی را دنبال نموده و راه کارهای عملی آن را نیز جستجو نمایند. یکی از راه کارهای عملی اتحاد، پیروی از یک نظام اقتصادی واحدی است که پشتوانه جدی قدرت و اقتدار مسلمانان در سایر زمینه‌هاست. چرا که اغلب نزاع‌ها و درگیری‌های عالم به دلیل محدودیت منابع، ناتوانی در عرصه تولید و توزیع، و وجود نظام طبقاتی است. چنانچه ملت‌های مسلمان به اموال یکدیگر طمع نموده و به غارت و چپاول یکدیگر بپردازند، در آن صورت چگونه می‌توان انتظار داشت که در مقابل بیگانگان ایستادگی نموده و یا مورد تعرض آنان قرار نگیرند.

هجرت به بلاد اسلامی برای کسب علم و دانش

هجرت به بلاد اسلامی برای کسب علم و دانش، بجای سفر به کشورهای بیگانه، و استفاده از توان علمی یکدیگر و ارائه بورس‌های تحقیقاتی و پژوهشی برای دانشمندان مسلمان می‌تواند راه دیگری برای ایجاد چنین تمدن عظیمی باشد. اما افزون بر لزوم توجه جدی به این عوامل و مولفه‌های عملی، توجه به راهکارهای نظری وحدت بخش جوامع اسلامی نیز ضرورت دارد و نباید از آن غفلت نمود. در ادامه، به برخی از این موارد اشاره خواهیم کرد.

شناخت اسباب و عوامل افتراق امت اسلامی

در باب تاریخ پیدایش افتراق و اختلاف میان مسلمانان و پیدایش شعب اسلامی در میان اهل تسنن و شیعیان اختلاف نظر وجود دارد. البته در باب علت پیدایش اختلافات میان مسلمانان دلایل دیگری نیز ذکر شده است که ربطی به شیعه و سنی ندارد؛ از جمله پیاده نکردن همه دستورات الهی و انتخاب برخی و وانهادن برخی دیگر. همچنین آمیختگی دین با اشخاص و تفسیرهای اشخاص از دین و آیات قرآن، مزید بر این مشکلات بوده است (یعقوب، ۲۰: ۱۳۹۴).

مراحل چهار گانه نظریه بحران توماس اسپریگنز

توماس اسپریگنز در کتاب فهم نظریه های سیاسی جستاری را ارائه که ابزار تفکر منطقی درباره مسائل سیاسی و متفکران سیاسی را فراهم کرده است. وی مدعی است که اندیشمندان سیاسی هر دوران به شدت واقع گرا هستند و اندیشه های سیاسی آنان در پاسخ به مشکلات محیط سیاسی آنان است. تلاشهای آن ها بر این است که تصویری جامع و درک نسبی از دنیای سیاست ارائه دهند از این رو مسائل و مشکلات نقطه آغازین مسائل سیاسی است.

کوشش های اسپریگنز در راستای فهم نظریه های سیاسی، که باید خط تمایزی میان آن و روش اندیشیدن سیاسی ترسیم کرد، چهارچوبی نظری، فلسفی، منطقی و کاربردی ارائه می دهد که به مدد آن میتوان منطق درونی هر نوع نظریه پردازی را کشف نمود. از دید وی هدف نظریات سیاسی، فراهم ساختن بینشی همه جانبه از جامعه سیاسی با نگاهی انتقادی به منظور درک و فهم پذیر شدن آن و فهم نارسایی ها و کاستی های آن و بازگرداندن سلامت به جامعه از طریق مواجهه با ریشه های بی نظمی و غلبه بر آن ها است به عبارت دیگر می توان هدف و غایت نظرات سیاسی از دید اسپریگنز را نوعی درمان روانی جامعه سیاسی دانست (اسپریگنز، ۱۳۷۹: ۲۲-۶۴).

نظریه بحران توماس اسپریگنز چهار مرحله دارد که به شکل گیری نظریات سیاسی می انجامد.

مشاهده و شناسایی مشکل

در مرحله اول نظریه پردازان از بحران های سیاسی که جامعه با آن ها درگیر است آغاز می کند. اکثر نظریه پردازان آثار خود را زمانی نگاشته اند که به طور فزاینده احساس میکردند که جامعه شان دچار بحران است، نظریه های سیاست نه در شرایط عادی بلکه به هنگام نابسامانی ها و بحران ها صادر می شود، بحران گاه روشن و واضح است و گاه در شناسایی آن اتفاق نظر نیست، گاه نیز ممکن است بسیار محدود باشد و ناپیدا و حتی درباره وجود آن در برخی مواقع اتفاق نظر نباشد. از این رو بحرانی که صدور نظریه های سیاسی را موجب می شود ممکن است در مواقعی سطحی و فردی باشد، نه کلی و عالم گیر. بنابراین به منظور فهم افکار نظریه پرداز سیاسی، اولین سؤال این است که مشکل او چیست و از نظر او چه چیزی فاسد است و مخرب؟ چه چیزی او را برانگیخته تا تعمق و تفکر ذهنی را به صورت نظریه های سیاسی منسجم و اساسی به رشته تحریر در آورد.

تحلیل و جستجو در خصوص علل بحران

مشاهده بی نظمی عقل و احساس را به تحریک انداخته و وی را به سوی مرحله دوم که تشخیص آن است سوق می دهد، نظریه پرداز در این مرحله شک و تردید را در درون خود گسترش و تعمیم داده و به جستجوی علت اصلی مشکلات و نابسامانیها که اغلب نهان از دیدها هستند میپردازد. نظریه پرداز در این مرحله به مطالعه بیشتر پرداخته و به دنبال سرنخ ها میگردد، در این مرحله دو پرسش مطرح می شود: اول اینکه اگر اوضاع نامرتب است دلایل آن چیست؟ دوم اینکه اوضاع مرتب چه خصوصیتی دارد؟ بنابر این صرف تشخیص علل مشکل ها و بحران ها کافی نیست و باید ریشه های بنیادی آن را کشف کرد. نظریه پرداز بدون روشن شدن علل واقعی مشکل نمی تواند پیشنهاد های مناسبی برای درمان یا تسکین مشکل ارائه دهد (اسپریگنز، ۱۳۷۹: ۸۰).

بازسازی آرمانی جامعه سیاسی

در این مرحله نظریه پرداز به بازسازی ذهنی جامعه سیاسی پرداخته، آرمان شهری در ذهن تجسم کرده و افکارش را به صیقل علم، قابلیت ها، امکانات و واقعیت ها میآراید. معیارهایی که نظریه پرداز

برای جامعه بازسازی شده آرمانی خود در نظر میگیرد هنجارهایی برای زندگی سیاسی نیز است. نظم های هنجاری بازسازی شده ترکیبی از نوع آوری و اکتشافات است. هدف این مرحله ایجاد رابطه ای بین شخص و محیط سیاسی است بدن ترتیب نظریه پرداز باید الگوی جامعه خوب را در ذهن خود تجسم کرده و معیاری از آن به دست دهد؛ به این ترتیب نظریات سیاسی در واقع تصویرهایی نمادین از جامعه بعد از بازسازی شدن ارائه می دهد (اسپریگنز، ۱۳۷۹: ۱۱۹-۱۲۲).

ارائه راه حل و درمان

در مرحله آخر اسپریگنز راه درمان را با طرح شکاف «آنچه هست» و «آنچه باید باشد» پی میگیرد او معتقد است به دلیل توجه انسانها به حقایق حتی ساده ترین عبارات در این باره رگه هایی از تجویز را در خود نهفته دارد. بدین قرار نظریات سیاسی، با بینش جامع خود از نظم سیاسی، نتایج تجویزی مهمی را دربردارند و شامل ارزیابی قابلیت ها، امکانات و ضرورت ها و حقایق هستند (اسپریگنز، ۱۳۷۹: ۱۸۹).

نتیجه گیری

دین مبین اسلام ظرفیت تأسیس جامعه مطلوب را در بطن آموزه های خود دارد و جامعه مطلوب امروزه می تواند تحت عنوان جامعه متمدن خود را معرفی کند، اما وجود برخی اختلافات در بین مذاهب مختلف اسلام باعث شده است که هم گرایی که از عوامل مهم شکوفایی جوامع می باشد در بین جوامع مسلمین جایگاه خود را از دست دهد، و به نوعی جهان اسلام در اغلب سطوح خود شاهد نوعی واگرایی باشد. بی گمان تقریب مذاهب و نزدیکی مسلمانان به یکدیگر فرصت احیای مجدد اسلام و بازخوانی اسلام را برای همه مسلمانان فراهم می کند تا بتوانند با تمسک به قرآن و متون دینی با معارف اصیل اسلامی آشنا شوند و در راستای شکوفایی خود از آن بهره ببرند.

تقریب مذاهب باعث می شود تا مسلمانان بتوانند بدون تعصب و افراطی گری با اندیشه های یکدیگر آشنا شوند. تقریب مذاهب زمینه ساز ترویج فرهنگ گفت و گوی صحیح، منطقی و سازنده براساس اصول و مبانی مشترک با هدف درک یکدیگر و دست یابی به تمدن نوین اسلامی و استفاده از ظرفیت های یکدیگر، از بین رفتن تعصبات مذهبی و دینی، عاری بودن از تحجر و افراطی گری، قلمرو خواهی فرهنگی و فکری است. در گفت و گو میل غلبه کردن وجود ندارد چرا که در این صورت گفت و گویی وجود ندارد و در حقیقت گفت و گو، گفت و شنود تفکر است که در وادی تفکر آغاز می شود، جریان پیدا می کند و به نتیجه می رسد و در این فضا زمینه ظهور و بروز کارکردهای واقعی اسلام بیش از پیش فراهم می شود.

در تمدن سازی اسلامی هدف این است همه مذاهب اسلامی حقیقت ناب اسلامی را برای مردم بیان کنند و با حفظ ارزش های گذشته، آینده مطلوب که همان تمدن نوین است ساخته شود و مسلمانان می توانند با ایجاد روابط حسنه و داد و ستد علمی در بین خود این مهم را محقق سازند.

از سوی دیگر، می توان انقلاب اسلامی را انقلابی اخلاقی و وحدت گرا نامید. انقلابی که کوشید تا با استخدام مبانی متعلقانه جهان تشریح هویت خود را بر پایه اخلاق سیاسی استوار نماید. و دارای ذات نو شونده است و پویایی خود را در کنار پایبندی به اصول حفظ نماید. در همین راستا بهره گیری

از دو الزام اساسی آزادی و مدارا به عنوان اصولی لایتغیر و انسانی می‌تواند به محفوظیت بیش از پیش انقلاب و استمرار آن کمک نماید. از سویی تقریب مذاهب در اندیشه امام(ره) بنیانی کاربردی و عملی است که از ابتدای تأسیس انقلاب به عنوان یک اصل بر آن تأکید فراوانی شده است و به نوعی منشأ گسترش انقلاب اسلامی نیز قلمداد شده است. فقه سیاسی اخلاق نگر تنها زمانی قادر به کفالت اجتماع خود خواهد بود که بتواند خرد جمعی را باور نماید و آن را برای نیل به مقاصد خود استخدام نماید. تأمل در بیانات امام خمینی (ره) واکاوی جوانب و ابعاد گوناگون آن نشان از توجه ویژه‌ی آن بزرگوار به مقوله‌ی وحدت و تقریب مذاهب اسلامی است. راه کارهای ارائه شده نشان از آن دارد که با تأکید بر نقاط مشترک و همکاری در راستای اصول و مبانی اسلامی پذیرفته شده، می‌توان از دشمنی و مخاصمه فاصله گرفته و در راستای اتحاد و انسجام حرکت نمود.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۰). مهدی الهی قمشه ای، ترجمه قرآن، قم، فاطمه الزهرا.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). تحف العقول، قم، جامعه مدرسین.
- ابن منظور، لسان العرب (۱۴۱۶ق)، تصحیح: امید عبدال وفا و محمد صادق العیبری، دار احیا التراث العربی، مؤسسه تاریخ الاسلامی، ط ۱، بیروت.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم (بی تا). لسان العرب، بیروت، دار صادر، ج ۲.
- ابن هشام، عبدالملک (۱۹۷۵). السیره النبویه لابن هشام. بیروت: دار الجیل.
- ابوزهره، محمد (بی تا). الوحده الاسلامیه، دار الرائد العربی، بیروت لبنان.
- اردبیلی، سید عبدالغنی (۱۳۸۱). تقریرات فلسفه امام خمینی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات عروج.
- آزادی، افشین؛ ترابی، محمد و حیدرپور، ماشاءالله (۱۳۹۹). «جمهوری اسلامی ایران و فضای مجازی؛ راهکارهایی برای حل چالش‌ها»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، سال ششم، شماره ۳.
- امام خمینی (۱۳۸۹). چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۹۷ش). آیین انقلاب اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۹۸). صحیفه امام؛ مجلدات مختلف. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۹۲). شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۹۴). حکومت اسلامی و ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد (بی تا). غرر الحکم و دررالکلم، مصحح مهدی رجائی، قم: دارالکتاب الاسلامی.
- ایرانی، مصیب (۱۳۹۸). استراتژی وحدت ملی و انسجام اسلامی با توجه به دیدگاه امام خمینی (ره)، فصلنامه اندیشه تقریب، سال پنجم، شماره هجدهم.
- بزرگی، مهدی (۱۳۹۴). نقش انقلاب اسلامی در بیداری و وحدت اسلامی، مجموعه مقالات جهان اسلام، مشکلات و راهکارها.
- البیهقی، احمد بن الحسین (بی تا). السنن الکبری. بیروت: دارالفکر.
- جمشیدی، محمدحسین، (۱۳۹۸). «ماهیت وحدت در اندیشه امام خمینی»، نشریه کیهان فرهنگی، شماره ۱۵۶.
- جمشیدی، محمدحسین؛ محمدی، احسان الله (۱۳۸۹). «مبانی تحقق وحدت حوزه و دانشگاه از دیدگاه امام خمینی (ره)»، فصلنامه معرفت در دانشگاه اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۱.
- جنیدی، رضا و ملاتی، مسعود (۱۳۹۸). «راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه راهبرد سیاسی، دوره ۳، شماره ۸.
- حرّانی، حسن بن شعبه (۱۳۵۵). تحف العقول، مترجم احمد جتتی، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
- دروب تقریب، علی (۲۰۰۴). دارالتقریب بین المذاهب الاسلامی بیروت.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۵). لغت نامه دهخدا، زیر نظر دکتر معین، تهران، دانشگاه تهران.
- زیبایی نژاد، مریم (۱۳۹۸). «احیای انگاره‌های مهم هویتی در پرتو انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی، دوره ۸، شماره ۲۹.
- سلامی، نذیر احمد (۱۳۹۸). اندیشه های اسلامی در سخنان ابوالاعلی مودودی، تهران، احسان.
- سید رضی (۱۳۵۹). نهج البلاغه، تهران، بنیاد نهج البلاغه.
- شکری مقدم، اصغر؛ حسینی، مطهره؛ چادله، امیر، غلامی، عامر (۱۳۹۴). چالش های انسجام ملی

- جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی قوم بلوچ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آستار. صدوق، ابن بابویه قمی (۱۳۷۷). خصال، مترجم: محمدباقر کمره ای، تهران: انتشارات کتابچی.
- صدوق، ابن بابویه قمی (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه، قم: انتشارات اسلامی.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۳۹۷ق). المبسوط فی فقه الامامیه، تصحیح محمدتقی کشفی، تهران: المکتبه الرضویه.
- فارسیان، محمدرضا (۱۳۹۶). تداوم انقلاب اسلامی با رویکردی بر آراء امام خمینی^(ع). دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.
- فولادی، محمد (۱۳۹۷). «استراتژی وحدت جهان اسلام در اندیشه امام خمینی»، نشریه معرفت، سال هفدهم، شماره ۱۲۶.
- قمی، علامه محمدتقی (۱۳۷۲). منادیان تقریب، قم، نشر الهادی.
- کاظمی، پریسا و بشیری، اکبر (۱۳۹۸). «سازوکارهای تضمین حقوق بنیادین بشر در نظام حقوقی عمومی ایران»، دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره ۸، شماره ۱۶، بهار و تابستان.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحارالانوار، تحقیق: عبدالرحیم الربانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفا
- معلوف، لوئیس (۱۳۷۴). المنجد، ترجمه محمد بندریگی، تهران، ایران، ج ۱.
- معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی معین، انتشارات ثامن
- موقتی، احمد (۱۳۹۱). استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، جلد دوم، چاپ اول.
- نصیری، سوناز (۱۳۹۸). «نقش قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی عراق)»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، دوره ۹، شماره ۱.
- نهج البلاغه (۱۳۹۴). ترجمه علی شیروانی، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- یعقوب، احمد حسین (۱۳۹۴). اهل بیت محور وحدت، ترجمه عباس جلالی، بوستان کتاب.

